



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۷/آذر/۱۳۹۶

موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - واجب نفسی و غیره - تنبیهات -

مصادف با: ۹ ربیع الاول ۱۴۳۹

تنبیه سوم: عبادت طهارات ثلاث - راه حل دهم (امام خمینی)

و بررسی آن

جلسه: ۲۲

سال نهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

آخرین راه حل برای مشکل عبادت طهارات ثلاث راهی است که امام خمینی ارائه کرده اند. اشاره مختصری به بخشی از مطالب ایشان داشتیم و امروز می خواهیم بقیه مطالب ایشان را نقل کنیم و نهایتاً جمع بندی از راه حل های ارائه شده برای مشکل عبادت طهارات ثلاث داشته باشیم. عرض کردیم راه حل امام خمینی متضمن دو بخش است: یکی سلبی و دیگری ایجابی. امام خمینی ابتدائاً فرمودند که نوع راه حل هایی که توسط اعلام ارائه شده مبتنی بر یک پیش فرض است و آن این که عبادت محتاج امر است. اعلام نوعاً این را فرض گرفتند که اگر عملی بخواهد عبادت باشد حتماً باید امر داشته باشد، لذا برخی مانند شیخ انصاری و به تبع ایشان محقق خراسانی ملتزم به امر نفسی استحبابی شدند و بعضی چون محذور را در نیاز به امر می دیدند، طوری مسئله را تصویر کردند که این مشکل و مانع را از سر راه بردارند. اما به نظر ایشان عبادت که قوامش به قصد قربت است بدون قصد امر نیز تحقق پیدا می کند چون یکی از معانی قصد قربت قصد امر است در حالی که چند معنای دیگر برای قصد قربت می توان ذکر کرد:

۱. عمل به داعی کونه مقرباً الی المولی اتیان شود.

۲. عمل به داعی کونه ذا مصلحةً اتیان شود.

۳. عمل به اعتبار کونه حسناً اتیان شود.

این ها معانی بود که برای قصد قربت ذکر شد و چه بسا معنای اول یعنی قصد امتثال امر چندان در ذهن متشرعه جا نداشته باشد. یعنی بیشتر مردم که عبادتی را اتیان می کنند و نماز می خوانند و یا روزه می گیرند از قصد قربت همان مقربیت الی المولی و الی الله تعالی اراده می کنند. شاید قصد امر و امتثال امر کمتر مورد توجه باشد.

این وجه سلبی کلام امام خمینی بود که ایشان نفی می کند که قصد قربت به معنای قصد امر است. ایشان می گوید: عبادت از امر ناشی نمی شود و ما برای این که چیزی را عبادت بدانیم لزوماً این چنین نیست که امری از ناحیه شارع متوجه به آن شده باشد.

حال سوال این است که اگر عبادت بواسطه امر ایجاد نمی شود پس چگونه محقق می شود؟ اگر عبادت نیاز به امر ندارد، از چه راهی عبادت یک شی درست می شود؟ ما از کجا بدانیم که یک عمل عبادت است که به اتیان آن عمل مقربیت الی المولی قصد شود و چه عملی این خصوصیت را ندارد؟ بالاخره یک ملاک و معیاری باید برای عبادت باشد. این بخش ایجابی کلام امام خمینی است.

ایشان در توضیح این بخش و تبیین منشأ عبادت مخصوصاً در باب طهارات ثلاث یا تطهیر ثوب که عبادت ندارند می فرماید: عبادت بعضی از امور کاملاً واضح است و نیازی به امر ندارد. به نظر ایشان: برخی از اعمال ذاتا عبادت و بندگی و خضوع و پرستش محسوب می شود و نیازی نیست که کسی بیانش کند. عبادت یعنی خشوع و خضوع و بندگی در برابر معبود. سجده ذاتا عبادت است و نیازی ندارد که شارع آن را بیان کند و بگوید سجده عبادت است یا رکوع ذاتا عبادت است زیرا یک خشوع در برابر معبود است. فرق نمی کند کسی در برابر خدا سجده کند یا بت زیرا در هر صورت عرف می گوید او عبادت می کند. پس بعضی از اعمال ذاتا پرستش و خضوع و خشوع و بندگی در برابر معبود محسوب می شوند لکن مشکل این است که تعداد اعمالی که فی نفسه عبادت آن ها روشن است و نیازی به بیان و امر ندارند خیلی کم است. غیر از سجود و رکوع چه موردی را می توان تصور کرد که فی نفسه بدون نیاز به امر و بیان از طرف شارع عبادت محسوب شوند؟ در مورد بقیه افعال تکلیف چیست؟ بالاخره عبادت کثیری از عبادات برای ما معلوم نیست. در مورد بحث یعنی طهارات ثلاث چرا عبادت هستند؟ اگر از طریقی به دست ما نرسد ما عبادت آن را نمی فهمیم.

مسئله مهم در همین نقطه است که عبادت کارهایی که ذاتا عبادت محسوب نمی شوند متوقف بر این است که ما از طریقی نظر شارع را به دست بیاوریم. لکن طریق بیان عبادت عبادات منحصر در امر نیست، این طور نیست که همه عبادات فقط در قالب امر عبادتشان ابراز شود مثل «اقیموا الصلوة»، «اقیموا الصلوة» امر به اقامه نماز می کند و این امر ظهور در این دارد که این فعل عبادت است این یک طریق است اما تنها طریق نیست. برخی از امور که به عنوان عبادت محسوب می شوند این ها در واقع از طریق اجماع فقها یا ضرورت فقه یا ضروری بین المسلمین به دست آمده است. مثلاً در مورد طهارات ثلاث می توانیم بگوییم این گونه است. برای این که وضو را عبادت بدانیم لازم نیست حتماً از طرف شارع امر داشته باشیم بلکه عبادت وضو متوقف بر این است که به نوعی نظر شارع را به دست آوریم که وضو عبادت است و لازم نیست که حتماً شارع امر مستقیمی مانند «اقیموا الصلوة» داشته باشد. در این مورد ما می بینیم که فقها اجماع دارند بر عبادت وضو و همین برای ما کافی است. بعضی از غسلات و مسحات که وضو را تشکیل می دهند، اگر در محیط شرع نمی دانستیم که یک عبادت است ما نمی فهمیدیم که مثل سجده عبادت است. زیرا حتی اگر شارع به سجده اشاره نکند ذات این رفتار برای ما معرف عبادت آن است و عبادت آن برای ما روشن است اما در مورد وضو حتماً باید طریقی برای اثباتش وجود داشته باشد ولی این طریق منحصر در امر نیست که شارع حتماً بگوید: «توضا» نه همین مقدار که فقها اجماع داشته باشند یا این که یک امر بدیهی بین مسلمین باشد یعنی آن قدر واضح و آشکار است اصلاً نیازی به دلیل ندارد. یعنی همه می دانند که وضو یک امر عبادی است و همین برای ما کافی است و از طریق اجماع یا بداهت یا ضرورت فقه کشف کنیم عبادت وضو را این کافی است. در مورد غسل نیز نیازی به امر نداریم، اصل عبادت این ها به اجماع فقها یا ضرورت فقه یا بدیهی بین المسلمین عبادتشان برای ما ثابت می شود و همین کافی است.

به بیان دیگر خود عمل به نحوی نیست که به ما بفهماند عبادت است یا خیر؟ سجده خودش به ما می فهماند که عبادت است ولی ما چند نوع از این افعال داریم؟ اکثر عبادات ما خودشان فی نفسه عبادیتشان مشخص نیست و یا از طریق اجماع و یا بداهت یا ضرورت فقهی عبادیت آن ها مشخص شده است که وضو یا غسل عبادت است.

سوال: خود این که ما از طریق اجماع عبادیت وضو را کشف می کنیم این ملازمه دارد با امر. درست است که اسم امر نیست ولی وقتی نظر معصوم را از اتفاق فقها کشف می کنیم یعنی امر معصوم را کشف می کنیم.

استاد: این اشکال مهم ترین اشکالی است که به نظر امام خمینی وارد می شود که بعد از تبیین نظر ایشان به آن پاسخ می دهیم. پس امام خمینی نظرشان در وجه ایجابی این است که عبادیت برخی از امور کاملا واضح است و اساسا نیاز به دلیل از طرف شرع ندارد مثل عبادتی که بر سجده اطلاق می شود. اما در مورد سایر عبادات که این ویژگی را ندارند راهش این است که ما از شرع استفاده کنیم ولی این که ما از طریق شرع می بایست عبادیت را به دست بیاوریم معنایش این نیست که شارع حتما باید امر کند بلکه از طریق اجماع و بداهت بین المسلمین و ضرورت فقه بدون این که امری از طرف شارع باشد می توانیم عبادیت را کشف کنیم.

عبادیت طهارات ثلاث نیز همین گونه است. یعنی اگر ما وضو را عبادت می دانیم نه بخاطر این که وضو مثل سجده است و ذاتا عبادت محسوب می شود. اگر ما از پدرانمان و پدرانمان از پدرانمان و از علماء نشنیده بودیم هیچ وقت فکر نمی کردیم که وضو یک عبادت است. لذا ما از طریق آن ها این قضیه را فهمیدیم بدون این که امری شده باشد و این برای ما بدیهی و ضروری شده است که وضو یک عبادت است همچنین غسل.

شاهد بر این مطلب حالتی است که متشرعه در هنگام وضو دارند یعنی کسی که وضو می گیرد با ذکر و حالات خاصی این کار را انجام می دهد. در حالی که در هنگام شستن لباس همین افراد این حالات را ندارند ولو این که با این لباس بخواهند نماز بخوانند. کانه مسلمین برایشان جا افتاده وضو عبادت است و تطهیر ثوب عبادت نیست. غسل عبادت است تطهیر ثوب عبادت نیست در حالی که هیچ امری نسبت به این ها نشده است ولی این تلقی بین مردم وجود دارد. پس به نظر امام اگر شارع می بایست عبادیت این ها را به نوعی به ما بفهماند و ما از طریق شارع بفهمیم این منحصر در امر نیست و راههای دیگر نیز وجود دارد. تمام مشکل در امر است. مهم ترین مشکل عبادیت طهارات ثلاث در همان دور است زیرا اشکال دور این بود که عبادیت طهارات ثلاث متوقف بر امر غیر است و امر غیر نیز متوقف بر عبادیت طهارات ثلاث است. زیرا گفتیم امر غیر یعنی امر به وضو گرفتن برای نماز یعنی امر حتما باید متوجه به وضویی شود که عبادت است تا عبادت نباشد نمی تواند امر غیر به آن متعلق شود و از آن طرف اگر بخواهیم خود عبادیت وضو را از امر غیر به دست بیاوریم و بگوییم حال که شارع گفته توجها للصلوه این دلیل بر عبادت بودن وضو است این موجب دور است و باطل است. تمام تلاش امام خمینی این است که نیاز طهارات ثلاث برای عبادت شدن را به امر بگیرد. به نظر ایشان طهارات ثلاث عبادیتشان از طریق شرع به دست آمده است. مثلا از اجماع یا از ضرورت فقه یا بداهت نزد متشرعه کشف شده است. یعنی از زمان ائمه به این طرف وضو و غسل عبادت بوده است.

فقط ما یک مشکل در این بین داریم که عبارت است از این که در مورد وضو و غسل این قابل قبول است و بدیهی بین المسلمین است و همه آن را عبادت می دانند و نیازی به دلیل ندارد و کانه یک امر بدیهی است و نیازمند به استدلال نیست. اما در مورد

تیمم واقعه این است که این بدهت نیست. ما اجماع در باب تیمم نداریم که تیمم عبادت است، قطعاً این اجماع وجود ندارد یا وقتی بین متشرعه می رویم از وضو تلقی عبادت دارند ولی از تیمم این تلقی را ندارند.

در مورد تیمم امام خمینی مقدمه ای را بیان می کنند و سپس از آن نتیجه می گیرند.

ایشان می فرماید: برای عبادت شدن یک عملی نیاز داریم آن عمل فی الجمله عبادتیش ثابت شود و لازم نیست که در همه شرائط و همه حالات عبادت بودنش بدیهی و آشکار باشد که نیاز به دلیل نداشته باشد. آن چه از محیط متشرعه استفاده می شود این است که چیزی قابلیت عبادت داشته باشد نه این که در همه حالات عبادت باشد. تفسیر ما از عبادت خیلی مهم است. گاهی میگوییم چیزی عبادت است که در همه حالات عبادت باشد و گاهی میگوییم چیزی عبادت است که قابلیت عبادت در آن باشد. وقتی به تیمم نگاه می کنیم می بینیم که این قابلیت را دارد ولو این که در همه جا عبادت نیست. به عبارت دیگر دامنه و محدوده عبادت آن بسیار اضیق از وضو و غسل است ولی اصل عبادتیش مسلم است. وضو یک دایره وسیعی دارد، غسل یک دایره ضعیف تری از وضو دارد، تیمم نیز در مواردی همین خصوصیت را دارد. یعنی می بینیم، تیمم در بعضی از حالات جنبه عبادت و مقربیتش محفوظ است. مثلاً کسی که می خواهد بخوابد و آب برای وضو ندارد یا حال و حوصله برای وضو گرفتن ندارد و تیمم کند این عبادت محسوب می شود. تیمم قبل النوم به عنوان بدل از وضو جنبه مقربیت و عبادت دارد. همین که عبادت تیمم ولو برای یک دامنه محدود ثابت بشود کافی است و دیگر نیازی نیست برای اثبات عبادت در همه موارد تیمم عبادت باشد. بلکه در بعضی از موارد ممکن است این عبادت بنا بر ملاحظاتی وجود نداشته باشد.

پس به طور کلی لازمه عبادت یک چیز این نیست که در همه حالات عبادت باشد بلکه در یک مواردی عبادت دارد و در موارد دیگر ممکن است که عبادت نداشته باشد. پس معلوم می شود قابلیت عبادت و صلاحیت عبادت در تیمم وجود دارد و همین کافی است و نیازی به امر نداریم. تیمم ولو این که امر نفسی استحبابی نداشته باشد ولی همین که قابلیت عبادت داشته باشد کافی است و این قابلیت عبادت از آن چه گفتیم قابل استفاده است. حداقل در بعضی از موارد می بینیم که این قابلیت وجود دارد.

سوال:

پاسخ: می گوییم این یک امر بدیهی در بین مسلمین است و آن قدر آشکار است که نیازی به دلیل ندارد.

فرق بین نظریات و ضروریات در چیست؟ اولی نیاز به دلیل دارد و دومی نیاز به دلیل ندارد. یعنی نه این که دلیل ندارند بلکه آن قدر بدیهی هستند که نیازی به دلیل ندارند مثل استقبال برای نماز. بحث این است که این موارد آن قدر بین مسلمین واضح هستند که احتیاج به دلیل ندارند. ما برای عبادت غسل و تیمم محتاج امر و دلیل نیستیم و همین مقدار که نیازمندی به امر انکار شود مشکل حل می شود.

محصل نظر امام خمینی

در وجه سلبی: عبادت یک عمل متوقف بر امر نیست و می توانیم بعضی از امور دیگر را در نظر بگیریم بدون این که مسئله امر در کار باشد. قصد قربت به معنای قصد امر نیست.

در وجه ایجابی: حالا که ما نیازی به امر نداریم برای عبادت، عبادت را چگونه تصحیح می کنیم.

بعضی از امور عبادتیش کاملاً آشکار است مثل سجده و رکوع و نیازی به بیان و شارع نیست اما بسیاری از عبادات برای ما عبادتیشان معلوم نیست مثل وضو و غسل و تیمم. این جا نیز باید از طریق شارع باید استفاده شود ولی طریق شارع لزوماً امر

نیست. همین مقدار که بین جامعه اسلامی عملی عبادیتش بدیهی است و از شدت واضح بودن مردم این عمل را به چشم یک عبادت نگاه می کنند کافی است، لذا دیگر نیازی به دلیل از طرف شارع نیست.

سوال:

استاد: مسئله صحت چیز دیگری است. بحث این است که وقتی امر غیری به وضو می خورد (یعنی امر به اتیان وضو برای اتیان نماز) لزوماً باید به یک عبادت متوجه شود و نمی شود به وضویی توجه پیدا کند که عبادت نباشد. بحث این بود که واقعا عبادیت وضو از کجا استفاده می شود؟

تمام اعلام قائل به این شدند که وضو به امر نیاز دارد در حالی که امام خمینی می فرمایند برای عبادت شدن یک عمل نیازی به امر نیست. هرچند عبادیت باید از طریق شرع باید ثابت شود ولی منحصر در امر نیست. لذا ایشان در مورد طهارات ثلاث می فرماید عبادیت این طهارات از اموری است که از طریق شرع به دست می آید بدون این که امری در کار باشد.

«الحمد لله رب العالمین»